

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: حمید محوی

۰۳ می ۲۰۱۵

## میان فرهنگی ایران و جهان

۲

پدافند فرهنگی پرولتاریای ایران

علیه

جی.آی.جو [ایران گیت اپوزیسیون کوماند] (۱)

G.I.Joe.Iranganate Opposition Command

جی.آی.جو : ستاد کوماندونی اپوزیسیون های ایرانی

جی.آی.جو : نام کد : عطا هودشتیان

به ادامه گذشته:

خوانندگان را به خواندن تمام مقاله بالا و پی نوشت گاهنامه هنر و مبارزه برای همان و همین مقاله دعوت می کنم. در نتیجه وقتی آقای هودشتیان مشخصاً خودش را به عنوان اپوزیسیون معرفی می کند، نمی توانیم او را به دور از این طرح فرهنگی کانادا برای گسترش رابطه با مردم ایران تصور نکنیم و نمی توانیم تصور نکنیم که جی آی جوهای ایران گیت اپوزیسیون کوماند در اجرای نقش و مأموریت خودشان از راهکارها و نظریات ارباب سخن فرمانبرداری نکرده باشند.

موضوع یا موضوعات مرکزی ما در رابطه با میان فرهنگی ایران و جهان که در گذشته در تحلیل آثار میان فرهنگی مطرح کردیم تغییر نکرده، ولی این بار نگاهمان را از فضای هنری به فضای دانشگاهی متوجه می کنیم، و می خواهیم مثل همیشه مفاهیمی مانند آزادی، دموکراسی، تمدن،... را در گفتارهای یکی از اهالی دانشگاه های غرب (بدون مرز) در فراسوی سه چهار ساعت سخنرانی ویدئویی در یوتوب — که به طور مشخص در جای جای گفتارهایش تمدن غرب را با لیبرالیسم به شکل مترادف به کار می برد — مورد بررسی قرار دهیم و به آزمون واقعیت بگذاریم.

باید نشان دهیم که [جی آی جوهای ایران گیت اپوزیسیون کوماند] مانند عطا هودشتیان ها و کارچاق کن های دیگری که در خیابان کومرس پاریس به نوعی سرمایه گذاران ایرانی را جذب بازارهای غرب می کنند و در عین حال دانشجو و استاد و پژوهشگر علمی نیز هستند (شگفتا!) بی تأثیر در سرنوشت خیل کاندیداهای دیگر در دانشگاه های غرب بوده، و چنین واقعیات ناشناخته و ناگفته ای هست که گفتار ظاهراً روشنفکرانه و آزادی خواهانه و حقوق بشری و خصوصاً در رابطه با مفهوم آزادی فردی را در گفتار آنان دچار ریزش می کند. چنین ریزش هائی (چنان که خواهیم

دید) به هیچ عنوان حاصل یک یا چند اشتباه عادی در عرضه مطالب و رویدادها و تحلیل آنها نیست، بلکه کاملاً حساب شده و مطابق با سیاست های کشورهای میزبان غرب بوده و در عین حال در هماهنگی با ایدئولوژی و منافع طبقه بورژوازی کمپرادور ایران و دستگاه دین اسلام و جمهوری اسلامی ایران می باشد. ما باید نقاط مفصلی این پیوند استعماری و استثماری را رهگیری کنیم و نشان دهیم که مدارک صادر شده از دانشگاه هائی مانند سوربن به هیچ عنوان ضامن اعتبار محصولات آن نیست و افرادی که مدرک دکترها و جوایزشان را در قاب مجازی به نمایش گذاشته اند آن هم در کشوری مثل فرانسه که یکی از مراکز تروریسم بین المللی و القاعده می باشد به هیچ عنوان نمی تواند برای ما اطمینان بخش باشد.

حال با این مقدمه طولانی ولی ضروری به سراغ اصل سخنرانی عطا هودشتیان می رویم.

<https://www.youtube.com/watch?v=8ZjdH7a7KSM>

عطا هودشتیان «رشد اسلام داعشی در غرب و خاورمیانه [ایران] ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۴»

اولین نکته ای که به شکل برجسته برای ما می تواند مطرح باشد این است که تحلیل هودشتیان از داعش در چهارچوب مباحث «ایران و غرب» مطرح می شود، و آقای دکتر تمام نسخه اش را در همان عنوان سخنرانی می پیچد، و علاوه بر این «ایده داعش» را در ایده صدور انقلاب از سوی خمینی تعریف می کند... یعنی نظریه ای که گرچه ممکن است ظاهراً متقاعدکننده به نظر رسد، مثل بسیاری از نظریات دیگری که ایشان از نظریه پردازان لیبرال به نقل می آورد و مطرح می کند، با واقعیت امور فاصله نجومی دارد. پیوند زدن داعش به جمهوری اسلامی البته یکی از شگردهای بسیار رایج در طیف اپوزیسیون های ایرانی می باشد، خود رسانه های غربی نیز در برخی موارد سعی کرده اند این دو را مشابه یکدیگر معرفی کنند. البته چنین برداشتی چیزی نیست به جز یک توطئه تبلیغاتی، دروغ رسانه ای که مشخصاً برای خارج از کشور و مردم اروپا کاربرد خواهد داشت تا دولت هایشان به راحتی بتوانند زیر پرچم دروغین به جنایاتشان ادامه دهند.

در همین آغاز سخن اجازه دهید خیلی سریع حرف آخر را در مورد نظریات دکتر صادره از سوربن، جی آی جو عطا هودشتیان بنویسم و بعد به جزئیات خواهم پرداخت، دست کم دو ویدئو هر کدام حدود ۴۹ دقیقه برای بررسی موضوع داعش، چیزی نیست به جز بازگویی محتوای رسانه های حاکم آتلانتیست، تنها نوآوری و مدرنیته در تحلیل ایشان مرتبط دانستن ظهور پدیده داعش به انقلاب اسلامی و نظریه صدور انقلاب از سوی خمینی است.

در اینجا نیازی به توضیح جامع رویدادهای معاصر نمی بینم، زیرا در گاهنامه هنر و مبارزه صدها مقاله از سایت های آلترناتیو (و نه آتلانتیست) در رابطه با جنگ افغانستان، لیبیا، سوریه و رویدادهای مرتب به ظهور داعش موجود هست، با این وجود من در اینجا می خواهم تنها بخش مختصری از مقاله اسپوتنیک تحت عنوان «نوآم چامسکی: دولت اسلامی محصول سیاست آمریکا در خاورمیانه» را یادآور شوم (۱۸ فبروری ۲۰۱۵):

«چند روز پیش مصاحبه مأمور پیشین سازمان سیا، گراهام فالر Graham Fuller منتشر شد که یکی از بهترین تحلیل گران امور خاور میانه است. عنوان مصاحبه «ایالات متحده امارات اسلامی در عراق و شام را ایجاد کرد» امروز یکی از بهترین نظریه های رایج توطئه در مورد خاورمیانه را مطرح کرده است. این بار منبع این نظریه کاملاً متفاوت است و به نوآم چامسکی تعلق دارد، یعنی مستقیماً از قلب جامعه روشنفکری آمریکا منشأ می گیرد. نوآم چامسکی مشخصاً می گوید که این نظریه به این مفهوم نیست که ایالات متحده پیش از آن که آن را تأمین مالی کند به وجود آورده است. او این موضوع را به این شکل توضیح می دهد که ایالات متحده آمریکا به همکاری انگلستان متن و شرایط ضروری برای گسترش این جریان را در سال ۲۰۰۳ با تسخیر جنایت کارانه بسیار وخیم عراق به وجود آورد.»

من به هیچ عنوان تصور نمی‌کنم که دکتر عطا هودشتیان با ابعاد ژئوپولیتیک و طرح امپریالیست‌ها در خاورمیانه بیگانه باشد، اتفاقاً شاید خیلی بهتر از من از روندی که در خاورمیانه راه اندازی شده به موضوع داعش آگاه باشد، ولی مثل تمام تکنوکرات‌های دیگر به خاطر منافع شخصی و امتیازاتی که از آن برخوردار است، و به همین گونه به خاطر منافعی که بیشتر به برخی از تمایلات بیمارناک روانی مرتبط می‌باشد (ترمیم چهره ناریسیس مجروح) و بلند پروازی‌های انحرافی، با استفاده از ماشین حساب حرف می‌زند. حساب شده حرف می‌زند. در هر صورت چنین افرادی به شکل بیمارگونه‌ای با احساس گناه بیگانه هستند و به همین علت می‌توانند دروغ بگویند و نقش بازی کنند. نه، عطا هودشتیان نه آدم بی‌سواد است و نه بی‌شعور و نه کاملاً تهی از خلاقیت در تحلیل مسائل و نه بی‌اطلاع از روند رویدادها، اتفاقاً چنین افرادی به دلیل پشتیبانی و حضوری که در شبکه‌های «جی‌آی‌جو» ایران کیت اپوزیسیون کوماندو دارند، دائماً از نشریات مطلع می‌شوند و به قول فرانسوی‌ها وصل هستند Branché یا وصلشان می‌کنند، و بروز شده و خاصه آلا مد هستند (به قول خودمان در باغ هستند)، کتاب‌هایی را که ما ممکن است در ده سال آینده بر حسب اتفاق کشف کنیم، چنین افرادی به محض چاپ پرونده، آن را فوراً در جعبه پستی‌شان دریافت می‌کنند و به این ترتیب و ترکیب است که به منبع آگاه و ارباب نظر تبدیل می‌شوند.

ولی متأسفانه از تمام این امکانات برای منحرف ساختن افکار عمومی استفاده می‌کنند. برای چنین انحرافی ابتداء و در اصل آدم باید خودش تمایلات انحرافی داشته باشد تا بتواند دیگران را نیز منحرف کند. با این وجود نوعی انحراف هست که آن را از خودبیگانگی می‌نامند. از خودبیگانگی طبقاتی به این معنا است که وضعیت طبقاتی موجب می‌شود که فرد جهان واقع را به شکل تغییر شکل یافته و بر اساس منافع مادی ببیند و آرزومندی‌هایش را نیز براساس همین جایگاه فرموله کند. مشکلی که پیش می‌آید این است که این منافع (آزادی فردی) نه تنها آزادی دیگران را به مخاطره می‌اندازد بلکه کار به گشتارهای جمعی و تخریب کشورها می‌کشد... به نام آزادی فردی... که البته در گفتارهای امثال هودشتیان و ایدئولوژی که او مدافع آن می‌باشد، آزادی فردی همیشه به معنای آزادی یک طبقه است.

به هیچ عنوان نباید تصور کنیم که چنین افرادی بی‌اطلاع هستند... برخی بیماران روانی از هوش بسیار بالایی برخوردارند، در طیف وکلای دادگستری و استادان دانشگاهی از این نوع افراد بسیار هستند، زیرا تمایل این بیمارها برای تسلط بر این و یا آن زمینه، تسلط بر کتاب قانون، نه از روی دلبستگی به حقیقت و یا کار اجتماعی به مفهوم مثبت کلمه و اجرای قانون بلکه نیل به تسلط بر قانون و حتی پافشاری روی اجرای دقیق قانون نزد این افراد برای آن است که بهتر بتوانند آن را در راستای اهداف نازل و ارضای خواست‌ها و منافعشان منحرف کنند.

عطا هودشتیان در ویدئوی «رشد اسلام داعشی در غرب و خاورمیانه [ایران]» وقتی از ائتلاف ۴۰ کشور برای مبارزه علیه داعش حرف می‌زند، به گونه‌ای این رویداد را مطرح می‌کند که گوئی این گروه از جهاد طلبان ناگهان غرب را غافلگیر کرده است، و حالا بر آن شده اند تا در چهارچوب اتحادیه ای بین المللی این گروه را از بین ببرند، در ضمن برای آن که دست پیش را بگیرد تا نظریه اش پس نیفتد، پرسش روشنفکرانه و مسؤولانه ای را مطرح می‌کند و می‌پرسد: «آیا مداخله نظامی می‌تواند ایدئولوژی یا تفکر داعش را از بین ببرد؟»

البته در سر تا سر این سخنرانی‌ها، عطا هودشتیان یک ویرگول هم از رویکردها و دیدگاه‌های رسانه‌های حاکم غربی و آتلانتیست عدول نمی‌کند، و تقریباً از جایگاه یک روزنامه‌نگار غربی آتلانتیست، یعنی همانهایی که به روسپی‌های رسانه‌ها شهرت دارند، از غرب به دور دست‌های داعشی می‌پردازد و اگر این جی‌آی‌جوهای ایرانی اپوزیسیون گیت کوماندو، شهامت می‌کنند و از «مسائل و مشکلات داعش» حرف می‌زنند، یعنی از وقتی که داعش به عنوان مسأله و مشکل از سوی آنها مطرح شده، به این علت بوده است که چنین اجازه‌ای را دریافت کرده اند، و به این علت بوده است که رسانه‌های آتلانتیست حاکم در غرب و دولت‌های حاکم در غرب خودشان به چنین مسأله‌ای اعتراف کرده اند، بی

آن که واقعاً مسؤولیت تمام سیاست های تروریستی و لیبرالیستی خودشان را به عهده بگیرند. شش ماه پس از نخستین نا آرامی های سوریه، ۱۹ افسر اطلاعاتی فرانسه به اسارت نیروهای ارتش عرب سوریه درآمدند... هنوز که هنوز است دولت فرانسه مسؤولیت این گروه نظامی و اطلاعاتی را به عهده نگرفته و این واقعه در هیچ نشریه رسمی مطرح نشده است. با این وجود به همین شکلی که در گفتار عطا هودشتیان می بینیم، منشأ داعش باید از ایران سر دربیورد یعنی موردی که حتی روزنامه نگاران آتلانتیست نیز شهادت مطرح کردن آن را ندارند. در نتیجه می بینیم که به همان شکلی که القاعده و داعش به عنوان یکی از شبکه های آن کاری را برای امپریالیست ها انجام می دهد که خود ناتو به دلایل سیاسی و ستراتیژیک از انجام آن امتناع می کند، جی ای جوهای ایرانی گیت اپوزیسیون کوماند نیز نظریاتی را مطرح می کنند که جی آی جو های روسپی در رسانه های آتلانتیست شهادت گفتن آن را ندارند. چون که دروغ خیلی شاختاری است و به این سادگی ها نمی توانند با آن افکار عمومی را متقاعد سازند.

در نتیجه باید به زاویه دید یا دیدگاه و یا رویکرد آقای دکتر توجه داشته باشیم که از زاویه فردی به «مسأله» نگاه می کند که به جامعه غرب تعلق داشته و حالا با مشکلی به نام داعش روبه رو شده، و نه از زاویه دید آنهایی که واقعاً از نزدیک با داعش سروکار داشته اند، بی خانمان شده اند و یا سرشان بریده شده، و نه به خاطر تهدیدی که می تواند برای جوامع همجوار مثل ایران داشته باشد. بلکه مشکل داعش را در رابطه با جوامع غرب مطرح می کند، نگرانی او به خاطر نتایج چنین وضعیتی برای غرب است. زیرا از اواسط سال گذشته رسانه های غربی انباشته از همین موضوع است و سخنرانی عطا هودشتیان واقعاً چیزی نیست به جز یک روخوانی آبی از ده ها هزار مقاله و ویدئو درباره مشکلاتی که داعش برای جوامع غربی ایجاد کرده، و در این جا نیز باز هم جی ای جوهای روسپی کوشیده اند تا غرب و ناتو و سرویس های اطلاعاتی غرب را از زیر ضرب بیرون بکشند.

به همین علت عطا هودشتیان با یک چرخش و پیچش ماهرانه - البته بسیار رایج در رسانه های غربی - می کوشد تا ریشه تمایلات جوانان برای پیوستن به داعش را در کاستی های فرهنگی و یا بازنمایی های خشونت آمیز، بازی های کمپیوتری خشونت آمیز و تفریحات و سرگرمی های الکترونیک با مضامین خشونت آمیز و غیره جست و جو کند. البته بازی های خشونت آمیز مدافعان خود را نیز دارد برخی روانشناسان به این نتیجه رسیده اند که نباید از اینگونه بازی های ترسید زیرا تمایلات خشونت آمیز نزد افراد را هدایت و خنثی می سازد، و عملکرد پالایش روانی (کاتارسیس) دارد.

در هر صورت باید توجه داشته باشیم که وقتی هودشتیان این موضوعات را مطرح می کند چه کار می کند؟ کاری که او در این بحث انجام می دهد، روانشناختی کردن و یا روانشناختی دیدن پیدایش جریان تجمع جهاد گرایان اسلامی در سوریه است. البته اشتباه دیگر او در این نکته است که جریان سرباز گیری را نیز برای جنگ در سوریه به داعش منحصر می سازد.

در هر صورت تحلیل هودشتیان حتی وقتی که به مسائل و مشکلات جوانان عرب نسل دوم در کشورهای غربی می پردازد، در سطح همان رسانه های آتلانتیست باقی می ماند، زیرا بی آن که جی آی جوهای رسانه ئی کارآزموده در شبکه های اجتماعی در کار باشند تا افرادی چند را به دام بیندازند که الزاماً داعشی نیز نیستند امکان پذیر نمی بود. اگر روانشناسان کارآزموده سازمان سیا نمی بودند گسیل تروریست های مبتدی امکان پذیر نمی شد، اگر سرویس های اطلاعاتی ناتو و هم پیمانانش در کار نمی بودند چنین افرادی هرگز نمی توانستند به ترکیه بروند تا پس از مدتی (۴) و پس استفاده روزمره از خوراکی های آمیخته به روان گردان های کیمیائی ساخت امریکا روانه سوریه شوند. یعنی همان موضوعی که نوآم چامسکی نیز به درستی به آن اشاره کرده است یعنی بدون مداخله ایالات متحده چنین جریانی به این شکل رشد نمی کرد. موضوع مسائل و مشکلات جوانان عرب و مسلمان نسل دوم اروپا نیز مانند مسائل و مشکلات

مربوط به اختلافات مذهبی ( شیعه و سنی ) و قومی موجود در منطقه خاورمیانه و حتی در روسیه و چین است، مسائل و مشکلات، شکاف های اجتماعی و قومی و مذهبی در همه جا وجود دارد، ولی امپریالیست ها از دیر باز و به مدد جی آی جو های جامعه شناس و مردم شناس... آموخته است که چگونه می تواند در راستای طرح ها و منافعش در این شکاف ها نفوذ کرده و آنها را مین گذاری کند و انقلاب رنگی و یا اردوی جنگی راه بیندازد.

سخنران ما در گزارش واقعه مرتبط به اتحادیه «مبارزه علیه تروریسم» برای مبارزه علیه داعش نیز به انحراف می رود، یعنی همان تعبیر شسته رفته و حاضر و آماده ولی مسخره آمیز رسانه های آتلانتیست را مطرح می کند. در حالی که پرونده ها و گزارشات متعددی وجود دارد که بمباران های این ائتلاف را زیر علامت سؤال می برد، در واقع غرب هیچ گاه کمک هایش را برای داعش قطع نکرده است.

در نتیجه می بینیم که گزارش یک ساعت و نیمه آقای دکتر که احتمالاً با بودجه های کانادا و ناتو تأمین شده است تا چه اندازه از واقعیت امور و رویدادهای مرتبط به ظهور پدیده داعش فاصله دارد.

(۱) مختصری درباره جی.آی.جو (ویکیپدیا) :



### G.I. Joe

سال ۱۹۶۴ شخصیت جی. آی. جو G.I. Joe در یک سری عروسک مفصل دار از جنس پلاستیک با مضمون نظامی توسط شرکت هازبرا (Hasbro) (1) روانه بازار اسباب بازی شد. خط تولید اسباب بازی با جی.آی.جو شروع شد و سپس دوسال بعد هازبرا اعضای تمام شاخه های نظامی را ضمیمه کرد. نام جی.آی.جو نام یک شخصیت خاص نیست بلکه مارک یک سری اسباب بازی است.

از این تاریخ، مارک جی.آی.جو گسترش یافت از جمله استریت فایتر Street Fighter و Mortal Kombat و کتاب های مصور BD از سال ۲۰۰۱ در انتشارات Devil's Due Publishing و در IDW Publishing منتشر شد.

دوک Duke نام مستعار کنراد هازر Conrad S. Hauser پرسوناژ تخیلی است که به چندین زبان (انگلیسی، فرانسه و آلمانی) تسلط کامل دارد. داک مربی یک مدرسه نظامی است ولی بی حوصلگی او را به سوی گروه خیره جی.آی.جو هدایت می کند که توسط جان اف کندی آن را در سال های ۱۹۶۰ بنیانگذاری کرده است و مأموریت های ویژه ای را برای کاخ سفید انجام می دهد. سازمان کبرا یک گروه تروریستی است که توسط فرماندهی کبرا Cobra Command مدیریت می شود. فرماندهی کبرا که بیشتر به نام کبرا شناخته شده است، سازمانی است که جهان تخیلی جی آی جو را تشکیل می دهد.



شرکت امریکائی متخصص در اسباب بازی و بازی که در سال ۱۹۲۳ توسط برادران هنری و هیلال هسنفیلد Henry Hassenfeld Brother and Helal Hassenfeld در شهر پراویدنس در ایالت رودآیلند ایجاد شد. Hasbro مخفف Hassenfeld Brother است. ابتداء متخصص ابزار آلات مدرسه بود، هازیرا از سال های ۱۹۴۰ به ساخت ابزارهای دیگری در زمینه پزشکی و پرستاری پرداخت. در سال ۱۹۵۲ پرسوناژ پنت Patate را می آفریند و در سال ۱۹۶۴ با عروسک مفصل دار جی.آی.جو به شرکت بسیار مهم در بازار اسباب بازی تبدیل می شود. هازیرا با موفقیت های تجاری که به دست می آورد، در سال ۱۹۷۱ وارد بورس می شود. در سال ۱۹۷۵ ساخت عروسک های مفصلی را با اکشن جو Action Joe ادامه می دهد، با این وجود این محصول در سال ۱۹۸۱ متوقف می شود و سپس با اکشن من Action Man و C.O.P.S 'N' Crooks و تعداد دیگری از عروسک های مفصل دار ادامه می دهد. در سال ۱۹۷۹ درآمد این شرکت از مرز ۱۰۰ میلیون دالر عبور می کند.